

حبیبی - کمال خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی با آقای گردهارد شرودر صدر اعظم آلمان دیدار کرد. در برلین هم خرازی با همتای آلمانی خود یوشکا فیشر دیداری داشت. آقای تهرانی، با توجه به کدورتی که در پی صدور احکام دادگاه‌های انقلاب اسلامی علیه شرکت کنندگان در کنفرانس برلین صادر شده، این دیدارها ظاهراً معنای خاصی دارد. به نظر شما آیا این دیدارها می‌تواند نوعی دلجویی از دولت آلمان باشد؟

تهرانی - بدون تردید هدف اساسی سفر خرازی در رابطه با مساله تیرگی روابط بین دو کشور، پس از کنفرانس برلین، به ویژه محاکمه و محکومیت شرکت کنندگان در کنفرانس برلین، همچنین اتهاماتی است که دادگاه‌های اسلامی به شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان آلمانی کنفرانس زده‌اند. این اتهامات مبنی بر این است که گویا دولت آلمان و شرکت‌کنندگان در کنفرانس، دست در دست هم می‌خواسته‌اند توطئه براندازی رژیم جمهوری اسلامی را به اجرا بگذارند.

تیرگی روابط آلمان و جمهوری اسلامی، پس از جریان دادگاه رستوران میکونوس آغاز شد. بعد که روابط کم کم می‌رفت تا عادی شود، نیروهای محافظه‌کار ایران - که با هر نوع اصلاح و تحوّل در ایران مخالفند - این کنفرانس را فرصتی تلقی کردند و با برپا ساختن جار و جنجال پیرامون این کنفرانس کوشیدند عادی شدن روابط دو کشور را تعلیق به محال کنند.

بسیاری از خبرگزاری‌ها، روزنامه‌نگاران و حتی مفسرین سیاسی آلمان بر این عقیده‌اند که دولت آلمان در دام محافظه‌کاران ایران - به قصد قطع رابطه - نخواهند افتاد. در واقع آلمان‌ها متوجه شده‌اند که هدف محافظه‌کاران ایران، تیره کردن روابط دو کشور است. به این دلیل سعی می‌کنند از طریق گفت‌وگو با خرازی این مساله را تا حدی رفع و رجوع کنند.

البته تردیدی نیست که عادی‌سازی روابط فی‌مابین دو کشور آسان نخواهد بود؛ مگر این که دولت جمهوری اسلامی به رعایت و اجرای حقوق بشر متعهد شود. به نظر من از پیش‌شرط‌هایی که دولت آلمان مطرح خواهد کرد، یکی هم رفع اتهام و آزادی تمام شرکت کنندگان در کنفرانس برلین خواهد بود. وزارت خارجه آلمان، سر این موضوع کوتاه نخواهد آمد. حتی گردهارد شرودر صدر اعظم آلمان هم سفر خود به ایران را عملاً به تعویق انداخته است. کمال خرازی هم امروز در ملاقاتی که ساعت 3 بعد از ظهر [به وقت اروپا] با شرودر داشت، دعوت‌نامه جدیدی از طرف محمد خاتمی به ایشان تقدیم، و مجدداً ایشان را برای دیدار از ایران دعوت کرد. ولی شرودر هنوز پاسخ مشخص و روشنی به این دعوت نداده است.

به باور من سفر کمال خرازی به آلمان بدون تردید برای عادی‌سازی روابط ایران و آلمان است. از نگاه سیاست خارجی ایران، داشتن رابطه با آلمان به مثابه کلید ورود به خانه اروپایی یعنی اتحادیه اروپاست. دولت‌های ایران همیشه برای رابطه با کشور آلمان اهمیت خاصی قائل بوده‌اند. محافظه‌کاران هم با آگاهی به این واقعیت، پاشنه آشیل سیاست خارجی دولت خاتمی را نشانه گرفته‌اند و با براه انداختن جار و جنجال پیرامون کنفرانس برلین می‌کوشند این مناسبات را تیره کنند.

حبیبی - آیا دولت آلمان از امتیازی که دارد به نفع رعایت حقوق بشر در ایران استفاده خواهد کرد؟

تهرانی - بدون تردید دولت آلمان و وزارت خارجه آلمان و به ویژه نهادهای فرهنگی آلمان - که دعوت کنندگان روشنفکران ایرانی برای شرکت در کنفرانس برلین بوده‌اند - متعهد به دفاع از حقوق انسانی این روشنفکران هستند. ایشان وظیفه خود می‌دانند از شرکت کنندگان در کنفرانس که فعلاً در دست توطئه‌گران جناح راست و دادگاه‌های انقلابی آن‌ها گرفتارند، دفاع کنند. در این مورد هم دولت آلمان کوتاه نخواهد آمد. اما این که چگونه و به چه نحوی این قضیه حل و فصل شود، نظرها متفاوت است. برخی می‌گویند در چمدان دیپلماتیک کمال خرازی پیامی برای مقامات آلمانی بوده که در آن قول تجدید نظر در احکام سنگین دادگاه بدوی در دادگاه تجدید نظر داده شده است. مثلاً رهبر مذهبی در مرحله فرجام‌خواهی در هیئت فرشته نجات ظاهر شده، عفو عمومی اعلام خواهد کرد. البته این‌ها حدسیات و پیش‌بینی‌های مفسرین و روزنامه‌نگاران آلمانی است. اما آنچه اهمیت دارد این است که نماینده دولت جمهوری اسلامی [کمال خرازی] در این سفر حامل چه تضمینی است تا شاید از احتمال گسسته شدن رابطه جلوگیری کند!

حبیبی - آقای تهرانی، روزنامه تهران تایمز امروز همزمان با احزاب محافظه‌کار و راست آلمانی، یوشکا فیشر وزیر خارجه آلمان را به بهانه گذشته رادیکال و انقلابی‌اش مورد حمله قرار داده است. آیا احزاب راست آلمان در باره مساله کنفرانس برلین با دولت آلمان اختلاف نظر دارند؟

تهرانی - اجازه بدهید به این نکته اشاره کنم که اصولاً استفاده از لفظ محافظه‌کار درباره جناح راست جمهوری اسلامی، با آنچه در اروپا محافظه‌کار و یا احزاب راست محافظه‌کار خواهده می‌شود، از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنچه در ایران به عنوان محافظه‌کار و راست شناخته می‌شود، در حقیقت جمع متحجرین و نیروهای ارتجاعی به معنای دقیق کلمه است. این جریان اصولاً هیچ‌گونه وجه اشتراکی با افراد و احزاب محافظه‌کار و راست اروپایی ندارد. محافظه‌کاران اروپایی بخشی از نیروهای حافظ جامعه مدنی و مدافع حقوق بشر و دولت قانونی هستند. از این رو تلاش راست‌گرایان جمهوری اسلامی در هم‌آوایی با محافظه‌کاران آلمانی در حمله به گذشته انقلابی و رادیکال یوشکا فیشر، به منظور نشان دادن گوشه چشمی به نیروهای راست آلمان کاری عبث است. درست است که از ماه‌ها پیش کارزار جنون آمیزی علیه وزیر خارجه آلمان - به علت پیشینه و فعالیت‌های رادیکال گذشته‌اش - از سوی احزاب محافظه‌کار آلمانی راه افتاده است؛ ولی نیروهای محافظه‌کار جمهوری اسلامی بیهوده می‌پندارند که از این راه می‌شود نظر احزاب محافظه‌کار آلمان را برای همکاری جلب کرد.

فراموش نکنیم که احزاب محافظه‌کار، دموکرات مسیحی و دموکرات‌های آزاد، همپای حزب سوسیال دموکرات و حزب سبزها و حزب سوسیالیست‌های آلمان بر سر مساله رعایت حقوق بشر در ایران در یک صف موضع‌گیری مشابهی دارند. این همصدایی و همپایی همه‌جانبه میان احزاب آلمانی است که مشکلی در راه بهبود رابطه بین دو دولت ایجاد کرده است. تنها دولت آلمان نیست که چنین موضعی در رابطه با عدم رعایت حقوق بشر در ایران دارد؛ بلکه برای اتخاذ چنین سیاستی در درجه اول باید نظر احزاب اپوزیسیون، روشنفکران، نهادهای فرهنگی، سیاسی و حقوقی جامعه آلمان تامین باشد تا دولت بتواند برای عادی سازی رابطه با ایران گام بردارد. به همین دلیل من فکر می‌کنم آلمان بر مساله رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایستادگی نشان خواهد داد.